



توراه اور • پاراشاها برایش • مامار 2

כי כאשר השמים החדשים והארץ החדשה וגו'

«زیرا آسمان‌های نو و زمین نو»



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربّه، رب لیوی ییتسخاک

LikuteiTorah.com

پاراشای حسیدی



/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/2

1 **כי כאשר השמים החדשים והארץ החדשה וגו'. הנה כתיב בראשית ברא אלקי' את השמים ואת הארץ וארז"ל [ואמרו רבותינו זכרונם לברכה] בראשית בשביל ישראל שנקראו ראשית.**

«זیرא آسمان‌های نو و زمین نو»، و غیره. اکنون نوشته شده است: «در آغاز (בראשית, Bereishis), اَلْکِیْم آسمان‌ها و زمین را آفرید»؛ و حکیمان ما، یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «**برאשית** – به‌خاطر اسرائیل، که «آغاز» (ראשית, reishis) نامیده شده‌اند.»

وگم אמרו בשביל התורה שנק' ראשית. וא"כ כיון ששמים וארץ נבראו בשביל תורה וישראל מוכרח לומר שיש בחי' שמים וארץ בתורה ובעבודת ישראל שבהן ועל ידן יתקיימו שמים וארץ הגשמיים.

همچنین گفته‌اند: به‌خاطر تورات، که «آغاز» نامیده شده است. پس، چون آسمان و زمین به‌خاطر تورات و اسرائیل آفریده شدند، ناگزیر باید گفت که در تورات و در خدمت اسرائیل، مرتبه‌ای از آسمان و زمین وجود دارد که به‌واسطه آن و از طریق آن، آسمان و زمین جسمانی پایدار می‌مانند.

2 **وהענין הוא כי הנה אמרז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] למה נק' שמה ארץ שרצתה לעשות רצון קונה. פי' שרצתה היינו לי' [לשון] רץ וגם לי' [לשון] רצון.**

توضیح این است: حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند: «چرا نامش زمین (ארץ, eretz) است؟ چون شتافت (רצתה, ratzah) تا اراده (רצון, ratzon) آفریننده‌اش را به انجام رساند.» یعنی رצתה هم به معنای دویدن (رץ, ratz) است و هم به معنای رצון.

وكم"ש בכה ארוץ גדוד שהוא ג"כ לי' [לשון] רץ וגם יש בו ג"כ ענין רצון וכמשי"ת [וכמו שיתבאר].
چنان‌که نوشته شده است: «در تو (בכה, bechah) از میان لشکری می‌دوم (أروץ, arutz)»؛ این نیز واژه‌ای از ریشه دویدن است و همچنین مفهوم اراده را دربردارد، چنان‌که توضیح خواهیم داد.

3 **והענין דהנה כתיב והחיות רצוא ושוב בחי' רצוא זה הוא ענין תשוקה בלב לדבקה בו יתברך**
شرح مطلب این است: نوشته شده است: «و موجودات زنده فرشته‌گون (חיות, chayos) می‌شتابند و باز می‌گردند (רצוא وשוב, ratzo vashov).» این مرتبه از رצוא اشتیاقی در دل است برای پیوستن به او، که متبارک است.

והוא ג"כ לי' [לשון] מרוצה כמו הרץ ממקומו להלאה כך הוא ענין תשוקה זו של החיות להיות יוצאים ועולים ממקומם וליבטל וליכלל בא"ס ב"ה וכעין מ"ש שרפים עומדי' [עומדים / עומדין] ממעל לו ופי' ממעל לשכינת'.

این واژه همچنین با دویدن (merutzah, مروضه) پیوند دارد: همان‌گونه که دونده از جای خود می‌دود و به پیش می‌رود، چنین است اشتیاق موجودات زنده فرشته‌گون—اینکه از جایگاه خود بیرون روند و بالا روند، به خودنهی‌گری (bittul, بیטول) برسند و در بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک است، مستغرق شوند. این به آنچه نوشته شده است شباهت دارد: «سرافیم (שרפים, seraphim) فراز او (مמעל לו, mima'al lo) ایستاده بودند»، که چنین تفسیر شده است: [یعنی] «فراز حضور الهی (שכינה, Shechinah) او.»

4 **והיינו שתשוקתם להכלל שם כו'. וכן בחי' כללות נש"י [נשמות ישראל] במקורן ושרשן יש בהן בחי' רצוא ברצון ותשוקה לדבקה בו בא"ס ב"ה וכמ"ש ואל אישך תשוקתך.**

یعنی اشتیاقشان این است که در آنجا مستغرق شوند، و الی آخر. همچنین، ارواح اسرائیل در کلیت خود، در سرچشمه و ریشه خویش، مرتبه‌ای از اشتیاق رو به بالا (רצוא, ratzo) دارند؛ با اراده و اشتیاق به پیوستن به او، به بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، که متبارک باد؛ چنان‌که آمده است: «و اشتیاق به سوی شوهرت خواهد بود.»

והיינו מפני השגתה בהיותה בבחי' ארץ שהיא בחי' המדרגה התחתונה להיות עם ודבר נפרד כו'
این به سبب ادراک اوست، از آنجا که در مرتبه «زمین» قرار دارد؛ پایین‌ترین مرتبه، که در آن «قومی» و چیزی جداگانه پدید می‌آید، و الی آخر.

וכן הוא ג"כ בנפש האדם למטה המשכלת ומתבוננת בה' אחד איך שהוא יתברך מחדש בטובו כו' ומהווה כל העולמות מאין ליש ממש

همین‌طور است در نفیس انسان فرودین نیز، که با عقل می‌اندیشد و درباره یگانگی ه' تأمل می‌کند: اینکه او، متبارک باد، در نیکویی خویش نو می‌کند، و الی آخر، و همه عوالم را از نیستی به هستی واقعی پدید می‌آورد.

אשר ע"כ הוא ג"כ בחי' ארץ בבחי' רצוא ורצון לדבקה בו ית' ולאהבה את ה' כי הוא חייך.

ازاین‌رو، آن نیز در مرتبه «زمین» قرار دارد، در حال رצוא و اراده برای پیوستن به او، متبارک باد، و «دوست داشتن ه'، زیرا او زندگی توست.»

5 והנה בחי' הרצוא הזה הוא בק"ש [בקריאת שמע] **ובחי' השוב הוא בתפלת שמ"ע** [שמונה עשרה] **ובת"ת** [ובתלמוד תורה] **שהוא בחי' גילוי אלקות מלמעלה למטה כנודע.**

اکنون، مرتبۀ شتاب به سوی بالا (רצוא, ratzo) در خواندنِ **שמע** (קריאת **שמע**, Shema) است، و مرتبۀ بازگشت (שוב, shov) در دعای هجدهبرکت (تפילת **שמונה עשרה**, Shemoneh Esreh) و در مطالعهٔ تورات است؛ این مرتبۀ آشکارشدنِ الوهیت از بالا به پایین است، چنانکه معلوم است.

وفסוד"ז [وفسוקי دזמרה] **שקודם ק"ש** [קריאת שמע] **היינו לספר בשבחו של מקום כמ"ש رومמות אל בגروנם ועי"ז נעשה כמו חרב פפיות לעשות נקמה כו' דהיינו לקרוע המסכים המבדילים גילוי אלקות.**

آیاتِ ستایش (פסוקי **دזمרה**, Pesukei deZimra)، که پیش از قرائتِ **שמع** خوانده می‌شوند، برای بازگفتنِ ستایشِ آن‌که همه‌جا حضور دارد است؛ چنانکه نوشته شده است: «ستایش‌های بلندِ الهی در گلوئِ آنان است»، و از این راه، آن همچون «شمشیری دولبه می‌شود تا انتقام بگیرد»، و غیره؛ یعنی پرده‌هایی را که آشکارشدنِ الوهیت را می‌پوشانند از هم می‌درد.

וכ"ז [וכל זה] **הכנה בלבד לשמ"ע** [לשמונה עשרה] **כי בשמ"ע** [בשמונה עשרה] **הוא המשכת גילוי אלקות באמרו ברוך אתה הוי"ה אלקינו שהוא בחי' גילוי סוכ"ע בממלכ"ע** [בממלא כל עלמין].

همۀ اینها تنها مقدمه‌ای برای دعای **شמונה عשרه** است؛ زیرا در دعای **شמונה عשרه**، هنگام گفتنِ «مبارک هستی، **הוי**، **אלקינו** ما»، آشکارشدنِ الوهیت به پایین کشیده می‌شود؛ این همان آشکارشدنِ نوری که همۀ عوالم را فرا می‌گیرد (سوبב כל **עלמין**, sovev kol almin) درونِ نوری است که همۀ عوالم را پر می‌کند (**ממלא כל עלמין**, memalei kol almin).

אך כדי שיבא לזה צריך הוא לסדר שבחו של מקום תחלה בפסוד"ז [בפסוקי دזמרה] **כמו בברוך שאמר והיה העולם**

اما برای رسیدن به این، باید نخست ستایشِ آن‌که همه‌جا حضور دارد را در **פסוקי دזמרה** برشمرد؛ مانند «مبارک است آن‌که گفت و جهان پدید آمد»

(כי עם היות שהנה"א [שהנפש האלקית] **היא בחי' ארץ שהוא בחי' רצוא אך היינו מצד שורשה יש בה בחי' השתוקקות תמיד לדבקה בו ית'**

(زیرا با آن‌که نفیسِ الهی (**נפש האלקית**, Nefesh Elohis) مرتبۀ «زمین» است، که مرتبۀ **رצוא** است، این تنها از حیثِ ریشۀ آن است؛ [که] در آن همواره اشتیاقی برای چسبیدن به او، متبارک باد، وجود دارد.

אבל בירידתה למטה להתלבש בגוף ונה"ב [ונפש הבהמית] אשר הן מסתירי' על אורה כו' וממשיכים אותה אחריהם להמשך בקדרות אופל עניני עוה"ז ואז נסתר ונעלם בה התשוקה והרצוא לאלקות כנודע שלאום מלאום יאמץ וכשזה קם כו'.

اما چون به پایین فرود می‌آید تا در بدن و نفیس حیوانی (نפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) پوشیده شود - که نورش را می‌پوشانند، و غیره، و آن را به دنبال خود می‌کشند تا در تیرگی ظلمانی امور این جهان فرو رود - آنگاه اشتیاق و حرکتِ رצוא به سوی الوهیت درون آن پنهان و پوشیده می‌شود؛ چنان‌که معلوم است: «ملتی بر ملتِ دیگر چیره خواهد شد»، و چون این یکی برمی‌خیزد، و غیره.

ואי לזאת כדי שתוכל לבא לבחי' הרצוא בשעת ק"ש [קריאת שמע] צריכה הכנה רבה לזה והוא ענין פסוד"ז [פסוקי דזמרה] בסידור שבחו של מקום כו' והכל הכנה לבחי' השוב דשמ"ע [דשמונה עשרה] כי גם הרצוא הוא בשביל להיות שוב כנודע. כמו שהלויים היו טפלים לכהנים כו'

ازاین‌رو، برای آن‌که بتواند هنگام قرائت **שמע** به مرتبۀ **רצוא** برسد، به آمادگی بسیار نیاز دارد؛ و این، کارِ **פסוקי דזמרה** است: برشمردنِ ستایشِ آن‌که همه‌جا حضور دارد، و غیره. همهٔ اینها مقدمه‌ای برای مرتبۀ **שוב** در دعای **שמונה עשרה** است؛ زیرا حرکتِ **רצוא** نیز برای آن است که **שוב** پدید آید، چنان‌که معلوم است؛ همان‌گونه که لاویان در خدمتِ کوهنیم (כהנים, Kohanim) بودند، و غیره.

וגם درך פרט פסוד"ז [פסוקי דזמרה] הוא הכנה לשמ"ע [לשמונה עשרה] ג"כ שהוא המשכה וגילוי למטה שמתחלה צריך לקרוע המסכים המבדילים ע"י פסוד"ז [פסוקי דזמרה] בכדי שיוכל להיות הגילוי למטה] همچنین، به‌طور خاص، **פסוקי דזמרה** مقدمه‌ای برای دعای **שמונה עשרה** نیز هست؛ زیرا آن، کشاندنِ نور به پایین و آشکارشدنِ آن در پایین است. نخست باید به‌وسیلهٔ **פסוקי דזמרה** پرده‌های جداکننده را درید تا آشکارشدنِ نور در پایین امکان‌پذیر شود.

איך שבדבור א' בלבד נתהוו שמים וארץ וכל צבאם כו'

[در آن بازگو می‌شود] که چگونه تنها با یک گفتار، آسمان و زمین و همهٔ سپاهیان‌شان و جز آن پدید آمدند.

וכמו שמסיים בברכה זו בישתבח מלך יחיד חי העולמים ובב"ש [ובברוך שאמר] אומרים ג"כ יחיד חי העולמים מלך. פי' שהוא ית' הוא יחיד ומיוחד כמו קודם בריאת העולם וחי העולמים הוא רק מבחי' מלך

و چنان‌که این برکت در «یشתבַּח» چنین پایان می‌یابد: «پادشاه، یگانه، حیاتِ عوالم»؛ و در «متبارک است آن‌که سخن گفت» نیز چنین می‌گویند: «یگانه، حیاتِ عوالم، پادشاه». مقصود این است که او، متبارک باد، همچون پیش از آفرینش جهان، یگانه و بی‌همتاست؛ و [بودنِ] «حیاتِ عوالم» تنها از مرتبۀ «پادشاه» است.

שבחי' מלוכה היא רק הארה בלבד ממנו יתב' [יתברך] שהארה זו נמשכת ממנו יתב' [יתברך] להיות חיות כל העולמות עליונים ותחתונים.

זیرا مرتبة پادشاهی چیزی جز پرتویی محض از او، متبارک باد، نیست؛ این پرتو از او، متبارک باد، جاری می‌شود تا نیروی حیات (حיות، chayus) همه عوالم، بالا و پایین، باشد.

6 و نودع שיש רבוי עולמות למעלה עד אין קץ ולמטה עד אין תכלית. וזהו פי' בשכמל"ו [ברוך שם כבוד מלכותו לעולם ועד] כי ועד אין לו הפסק.

دانسته است که عوالم بی‌شمارند: در بالا تا بی‌انتها و در پایین تا بی‌کران. این است معنای «مبارک باد نام جلال پادشاهی او تا ابد و همواره (لעולם ועד، le'olam va'ed)؛ زیرا واژه ועד (va'ed) هیچ گسستی ندارد.

وهיינו שבחי' כבוד מלכותו נמשך להחיות עולמות ונבראים אין קץ וכמ"ש היש מספר לגדודיו כו' وکتוב אלף אלפין ישמשוניה ורבו רבבן קדמוהי יקומון וזהו מספר גדוד א' כו'.

یعنی جلال پادشاهی او جریان می‌یابد تا به عوالم و آفریدگان بی‌پایان حیات ببخشد؛ چنان‌که نوشته شده است: «آیا برای سپاهیان او شماری هست؟» و غیره؛ و نیز نوشته شده است: «هزار هزار تن او را خدمت می‌کنند و ده‌هزاران ده‌هزار در پیشگاه او می‌ایستند»؛ و این شمار یک سپاه است و غیره.

7 ועם כל הרבוי הזה מ"מ כולם נמשכים רק מבחי' מלך שהוא בחי' שם לבד כמאמר למען שמו באהבה מלך כו'.

با همه این کثرت، با این حال همه آنها تنها از مرتبة «پادشاه» سرچشمه می‌گیرند؛ مرتبه‌ای که صرفاً مرتبة «نام» است، چنان‌که در این عبارت آمده است: «به‌خاطر نامش، با محبت؛ پادشاه...»

وهוא בחי' ממכ"ע [ממלא כל עלמין] ומזה נולדה בחי' התפעלות האהבה בלבבו באמרו ואהבת את ה' אלקיך פי' את ה' אלקיך היינו כמש"ל [כמה שכתוב לעיל] שמע ישראל ה' אלהינו כו'.

این همان مرتبة نوری است که همه عوالم را پر می‌کند (ממלא כל עלמין، memalei kol almin). و از همین‌جا شور عشق در دل پدید می‌آید، هنگامی که شخص می‌گوید: «و باید ה' اלקיך را دوست بداری.» مقصود از «ה' اלקיך» همان است که پیش‌تر گفته شد: «بشنو، ای اسرائیل، ה' اלקינו...»

והוא מה שמעלה יתירה נודע' [נודעת] לנו מכל גדודי מעלה שקרבנו לשמו הגדול שהוא בחי' סוכ"ע ועצמות אלקותו יתברך הוא בחי' יחיד שלמעלה מעלה מבחי' חי העולמים שהוא רק מבחי' מלך כו'

ו این همان برتری افزوده‌ای است که برای ما نسبت به همه لشکریان آسمانی شناخته شده است: اینکه او ما را به نام بزرگ خویش نزدیک کرده است؛ نامی که مرتبه نوری است که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، و نیز ذات الوهیت او، متبارک باد، یعنی مرتبه «یگانه»؛ مرتبه‌ای بسیار بسیار فراتر از مرتبه «حیات عوالم» که تنها از مرتبه «پادشاه» است...

וזهو שנק' כנ"י [כנסת ישראל] **אחת כמ"ש אחת היא יונתי כו' שהיא מקבלת מבחי' ה' אחד ממש.**

و از همین رو جماعت اسرائیل «یکی» نامیده می‌شود، چنان‌که نوشته شده است: «او یکی است، کبوتر من...»؛ زیرا او از مرتبه «ה' یکی است» به‌راستی دریافت می‌کند.

8 והיינו ע"י שתהי' בבחי' אחת היא לאמה להיות שע"י ההתבוננות תבא לבחי' אחת להיות לה רק

רצון א' לדבקה בו יתב' [יתברך]

یعنی، با قرار گرفتن در مرتبه «او برای مادرش یگانه است»: از آن‌رو که با تأمل به مرتبه یگانگی می‌رسد و فقط یک اراده دارد — این‌که به او، متبارک باد، پیوند یابد.

והוא בחי' רצוא הנ"ל לבחי' סוכ"ע לדבקה בעצמות אלקות וכמאמר מי לי בשמים כו'.

این همان مرتبه حرکت اشتیاق‌آمیز (רצוא, ratzo)ی پیش‌گفته است، به سوی مرتبه نوری که همه عوالم را فرا می‌گیرد (סובב כל עלמין, sovev kol almin)، تا به ذات خود الوهیت پیوند یابد؛ چنان‌که گفته شده است: «در آسمان چه کسی را دارم؟» و مانند آن.

וזهو ענין ואהבת שבק"ש [שבקריאת שמע] ופי' וענין הרצוא היינו כמ"ש בכה ארוץ גדוד בכה דוקא

בעצמותך וארוץ גדוד היינו בחי' אלף אלפין ישמשוניה ורבו רבבן קדמוהי יקומו

و این است معنای «و دوست بدار» در שְׁמַע (שמע, Shema). مقصود و حقیقت رצוא همان است که نوشته شده: «در تو (בכה, bechah) از میان سپاه می‌دوم»؛ «در تو» مشخصاً یعنی در ذات خود تو؛ و «از میان سپاه می‌دوم» به مرتبه «هزاران هزار به او خدمت می‌کنند و ده‌هزاران ده‌هزار در برابرش می‌ایستند» اشاره دارد.

(ועמ"ש במ"א ע"פ רב כח לתבונתו אין מספר איך ששרש כל גדוד הוא בו"ק [בו' קצוות] דאצי' יעו"ש [יעו"ן שם]) שבכולם לא יחפוץ רק בה' לבדו.

(و بنگريد به آنچه در جای دیگری درباره آیه «در نیرو بزرگ است؛ فهم او بی شمار است» شرح داده شده: این که ریشه هر سپاه در شش انتها (ו"ק, vav ketzavos) ی عالم صدور (אצילות, Atzilus) است؛ آنجا بنگرید) —باین همه، از میان همه آنها جز ه' به تنهایی چیزی نمی خواهد.

وادلگ שור היינו גם בחי' כל המקיפים עליונים כי שור הוא חומה כמ"ש בנות צעדה עלי שור.

«و از روی دیوار (שור, shur) می جهّم» به مرتبه همه نورهای فراگیر برین (מקיפים, makifim) نیز اشاره دارد، زیرا shur به معنای دیوار است؛ چنان که نوشته شده: «دختران بر فراز دیوار (שור) گام برداشتند.»

ועד"מ החומה הוא מקיף לעיר גם הם ادלג כי התשוקה היא רק למהו"ע [למהותו ועצמותו] ית' ממש

برای نمونه، دیوار شهر را دربرمی گیرد؛ از این ها نیز «می جهّم»، زیرا اشتیاق فقط به ذات و هستی خود اوست، متبارک باد.

(שגם כל המקיפים כלא חשיב אצלו ית' וכמ"ש במ"א בפ' אדון הנפלאות כו' ולכן נק' שור כמו שהחומה נעשית מאבני' [מאבנים] שהם רק בחי' דומם כך כתיב עשה פלא שבחי' פלא ומקיפי' [ומקיפים] עליונים הוא רק כמו בחי' עשייה אצלו ית')

(زیرا حتی همه نورهای فراگیر نیز در برابر او، متبارک باد، هیچ به شمار می آیند؛ چنان که در جای دیگری درباره معنای «سرور شگفتی ها» و مانند آن شرح داده شده است. از همین رو آنها «دیوار» نامیده می شوند: همان گونه که دیوار از سنگ هایی ساخته می شود که فقط از سنخ بی جان اند، نوشته شده است: «او شگفتی ها را انجام می دهد» (עשה, oseh)، زیرا مرتبه «شگفتی» و نورهای فراگیر برین در برابر او، متبارک باد، فقط به مرتبه عمل (עשייה, Asiyah) می مانند).

וז"ש [זוהו שכתוב] מי לי בשמים ועמך לא חפצתי בארץ כו' שמים הם בחי' מקיפים וארץ הם בחי' פנימיים שזהו בחי' שור ובחי' גדוד הנ"ל וארוץ وادلג אותם בכח התשוקה שלי בכה ממש בעצמותך:

و این است معنای «در آسمان چه کسی را دارم؟ و جز تو، در زمین هیچ خواسته ای ندارم» و مانند آن: «آسمان» مرتبه نورهای فراگیر برین است و «زمین» مرتبه نورهای درونی؛ یعنی به ترتیب، مرتبه «دیوار» و مرتبه «سپاه» که پیش تر گفته شد. با نیروی اشتیاقم از میان آنها می دوم و از رویشان می جهّم —در تو (בכה)، واقعاً در ذات خود تو.

9 והנה מבחינת רצוא הנ"ל בק"ש [בקריאת שמע] נעשה שוב אח"כ בתפלה.

اکنون، از مرتبه پیش گفته شتافتن به بالا (רצוא, ratzo) در شما، پس از آن بازگشت (שוב, shov) در نماز پدید می آید.

ולכן גם בסוף הק"ש [הקריאת שמע] הוא מסיים אני ה' אלהיכם פי' אלקיכם ממש להיות בחי' גילוי אלקות בכל או"א [אחד ואחד] מלמעלה למטה למהוי אחד באחד כו'.

ازاین رو، در پایان شما نیز چنین به پایان می‌رسد: «من ה'، اלהיכם هستم»؛ یعنی به معنای حقیقی، «آلهיכם»؛ تا الوهیت در هر فرد و فردی، از بالا به پایین، آشکار شود؛ «تا یکی با یگانه یکی شود» و الی آخر.

10 ואחר"כ בשמ"ע [בשמונה עשרה] בח"י ברכאן נמשך זה הגילוי אור בבחי' שוב ממש בח"י ברכות באמרו בא"י [ברוך אתה ה'] מברוך לאתה בגילוי לנוכח כידוע.

پس از آن، در نماز شמונה عسره (شמונה עשרה, Shemoneh Esreh)، در هجده برکت، این تجلی نور در حالت واقعی بازگشت (שוב, shov) به پایین کشیده می‌شود؛ در هجده برکت، هنگامی که می‌گوید: «مبارک هستی تو، ה'»؛ از «مبارک» تا «تو»، در تجلی و خطاب مستقیم، چنان‌که معروف است.

ואחר שמ"ע [שמונה עשרה] בלימוד התורה נמשך גילוי זה בתורה כמ"ש ותורה אור כו' כי روح אייתי روح כו'

پس از نماز شמונה عשרה، در مطالعه تورات (תורה, Torah)، این تجلی به تورات فرود می‌آید، چنان‌که نوشته شده است: «و تورات نور است» و غیره؛ زیرا «روح، روح را می‌آورد» و غیره.

וע"י בחי' הרצוא הנ"ל נמשך בחי' روح המשכה מלמעלה למטה וכמ"ש אם ישים אליו לבו רוחו ונשמתו אליו יאסף כו'

به واسطه مرتبه پیش‌گفته حرکت شوق‌آمیز به سوی بالا (רצוא, ratzo)، مرتبه «روح» - یعنی فرودآوردنی از بالا به پایین - فرود می‌آید، چنان‌که نوشته شده است: «اگر دلش را به سوی او متوجه سازد، روح و جان او را نزد همان شخص گرد می‌آورد» و غیره.

ואחר"כ במעשה המצות נמשך בחי' שוב זה יותר וכידוע בשרש ענין המצות שהוא להמשיך האור בכלי דוקא וכמ"ש כי נר מצוה כו'.

پس از آن، در انجام عملی فرمان‌ها (מצות, mitzvot)، این مرتبه شوب بیش از پیش فرود می‌آید؛ چنان‌که درباره ریشه فرمان‌ها معلوم است که مقصود از آن‌ها این است که نور را مشخصاً در ظرف فرود آورند، چنان‌که نوشته شده است: «زیرا فرمان چراغی است» و غیره.

11 ועל קיום המצות ארז"ל [אמרו רבותינו זכרונם לברכה] **בע"כ** [בעל כרחך] **אתה חי פי' לפי שאחר האהבה והתשוקה במס"נ** [במסירות נפש] **בבחי' רצוא הנ"ל אח"כ נעשה בבחי' שוב להיות בע"כ** [בעל כרחך] **אתה חי בגוף כדי להיות גילוי אור האלקי מלמעלה למטה במעשה המצות.**

در باب به جا آوردن فرمان‌های الهی (מצוות, mitzvot)، حکیمان ما، که یادشان گرامی باد، گفته‌اند: «برخلاف اراده‌ات زندگی می‌کنی.» یعنی پس از عشق و اشتیاق همراه با فداکاری تا پای جان (مסירות نפש, mesirus nefesh)، در حالت اشتیاق و حرکت صعودی (رצוא, ratzo) که پیش‌تر یاد شد، سپس حالت بازگشت (שוב, shov) پدید می‌آید: «برخلاف اراده‌ات در بدن زندگی می‌کنی؛» تا نور الهی از بالا به پایین، از راه انجام **מצוות**، آشکار شود.

وזהו פי' בכל לבבך במס"נ [بمסירות نפש] **تחילה בבחי' הרצוא ואח"כ ובכל נפשך היא בבחי' שוב לקשר מחדו"מ** [مחשבה دבור ומעשה] **بمחדو"م** [بمחשבה دבור ومعه] **של התורה ומצות כו'.**

این است معنای «با تمامی قلبت» - نخست، با فداکاری تا پای جان، در حالت **رצוא** - و سپس «و با تمامی جانت»، که مرتبه **שוב** است: پیوند دادن اندیشه، گفتار و کردار با اندیشه، گفتار و کردار تورات (تורה, Torah) و **מצוות**، و جز اینها.

12 והנה בבחי' השוב נק' שמים כי הנה בבחי' השוב הזה בתומ"צ [בתורה ומצות] **נמשך האור למעלה בבחי' מקיף כידוע שהמצות הן בבחי' מקיפי** [מקיפים] **וע"כ נעשו המצות לבושים לנשמה בג"ע** [בגן עדן] **כי הלבושים והמקיפי** [وהמקיפים] **ענין א' הם כו'.**

اکنون، مرتبه بازگشت (שוב, shov) «آسمان» نامیده می‌شود؛ زیرا در این مرتبه بازگشت، از راه تورات (تורה, Torah) و فرمان‌ها (מצוות, mitzvot)، نور به بالا کشیده می‌شود و به صورت نور فراگیر است؛ چنان‌که معروف است، فرمان‌ها نورهای فراگیر (مקיפי, makifim) هستند. از این رو، فرمان‌ها در باغ عدن جامه‌هایی برای نفس می‌شوند؛ زیرا جامه‌ها و نورهای فراگیر یک چیزند، و مانند آن.

וז"ש [וזהו שכתוב] **צרורה בצרור החיים כו' צرور זה היינו המצות כידוע והתורה אע"פ** [אף על פי] **שנק' מזון מ"מ היא ג"כ בבחי' לבוש כמ"ש עטה אור כשלמה**

معنای «در پیوند حیات بسته شده» و مانند آن همین است: این «پیوند» همان فرمان‌هاست، چنان‌که معروف است. و تورات، با آنکه «خوراک» نامیده می‌شود، با این همه جامه نیز هست؛ چنان‌که نوشته شده است: «او [خود را در] نور، همچون جامه‌ای، می‌پوشاند.»

(ועיין דבר זה במ"א ע"פ כי ביום הזה יכפר כו' בענין כך היא דרכה של תורה כו' אשריך ושוב לך.
וע"פ וראיתם אותו וזכרתם כו' וע"פ את שבתותי תשמרו)

(ו این موضوع را در جای دیگری نیز ببینید: بر آیه «زیرا در این روز کفاره خواهد کرد» و مانند آن، درباره این مضمون که «این است راه تورات... خوشا به حال تو و نیکوست برای تو»؛ و بر آیه «و آن را خواهید دید و به یاد خواهید آورد» و مانند آن؛ و بر آیه «شباهت‌های من (שבתותי, Shabbosos) را رعایت کنید».)

ע"כ נק' בחי' שוב זה ע"י תומ"צ [תורה ומצות] בשם שמים כי כמו שהשמים מקיפי [מקיפים] לארץ כך בחי' השוב הזה הוא בחי' מקיף לבחי' הרצוא דארץ הנ"ל.

ازاین‌رو، این مرتبه بازگشت که از راه تورات و فرمان‌ها حاصل می‌شود، «آسمان» نامیده می‌شود؛ زیرا همان‌گونه که آسمان‌ها زمین را دربرمی‌گیرند، این مرتبه بازگشت نیز مرتبه پیش‌گفته حرکت اشتیاق‌آمیز (רצוא, ratzo) «زمین» را دربرمی‌گیرد.

ועוד זאת עד"מ מארץ ושמים הגשמיים הרי אנו רואים שהארץ אינה רק כגרגיר خردل לגבי מרחב הכדور של השמים המקיפי [המקיפים] עליה مכל צדדיה בהשוואه אחת.

افزون بر این، با تمثیلی از زمین و آسمان‌های مادی، می‌بینیم که زمین در برابر پهنه کره آسمان‌ها – که از همه‌سو به یکسان آن را دربرگرفته‌اند – چیزی بیش از دانه‌ای خردل نیست.

כך ערך בחי' הרצוא הזה דארץ לגבי בחי' השוב דתומ"צ [דתורה ומצות] שנק' רצונו וחכמתו ית' הוא רק כערך גרגיר خردل לגבי مרחب הגדול דשמי' [دشמים].

پس نسبت این مرتبه حرکت اشتیاق‌آمیز «زمین» با مرتبه بازگشت تورات و فرمان‌ها – که اراده و حکمت او، که متبارک است، نامیده می‌شوند – تنها همچون نسبت دانه‌ای خردل با پهنه بزرگ آسمان‌هاست.

13 וזהו השמים כסאי והארץ הדום רגלי פי' הדום رגלי הוא ע"ד השרפרף לכסא שמגביה הרגלים כך הנשמות שנק' ברא כרעא דאבוה מתעלים ע"י בחי' ארץ הוא בחי' הרצוא.

این [معنای] «آسمان‌ها تخت من‌اند و زمین زیرپایی من است» است. مقصود این است: «زیرپایی من» مانند زیرپایی تخت است که پاها را بالا می‌آورد؛ به همین‌سان، نفوس که «پسر، پای پدر خویش است» نامیده می‌شوند، به واسطه مرتبه «زمین» بالا برده می‌شوند؛ و این مرتبه، مرتبه اشتیاق صعودی (رצוא, ratzo) است.

ודרך פרט כל זמן שיש עליי [עלייה] לבחי' ארץ העליונה היא כנס"י [כנסת ישראל] כמו בשבת ויו"ט [ויום טוב] דכתיב אם תשיב משבת רגלך וכן הג' י"ט נק' ג' רגלים.

و به‌طور خاص، هرگاه مرتبه «زمین برین» بالا برده شود، که همان جماعت اسرائیل است، چنان‌که در شبات (שבת, Shabbos) و اعیاد رخ می‌دهد، [این امر با واژه «پا» بیان می‌شود]: چنان‌که نوشته شده است: «اگر به‌سبب شبات پایت (רגلך, raglecha) را بازداری»؛ و نیز سه عید را سه «پا» (רגלים, regalim) می‌نامند.

14 והשמים כסאי היינו בחי' שוב שהוא ירידה והמשכה ה"ז [הרי זה] כמו היושב על הכסא שמשפיל קומתו.

و «آسمان‌ها تخت من‌اند» به مرتبه بازگشت (שוב, shov) اشاره دارد؛ یعنی فرود و جاری‌شدن به پایین. این مانند کسی است که بر تخت می‌نشیند و قامت خود را فرومی‌آورد.

וזهو ואתה קדוש יושב תהלות ישראל. פי' שהוא ית' קדוש ومובدل מכל העולמות רק ע"י תהלות ישראל נמשך להיות יושב ونשפל למטה וכמאמר שהקב"ה יושב ועוסק בתורה כו'.

این [مقصود] «و تو، ای قدوس، بر ستایش‌های اسرائیل می‌نشینی [بر تخت]» است. یعنی او، متبارک باد، مقدس و از همه عوالم جدا و برکنار است؛ تنها به‌واسطه ستایش‌های اسرائیل است که فرود می‌آید تا «بنشیند» و در پایین تنزل کند؛ چنان‌که در این گفتار آمده است که قدوس متبارک (קב"ה / קודשא בריך הוא, Kudsha Brich Hu) می‌نشیند و خود را به تورات مشغول می‌سازد و جز آن.

15 וזהו שנק' התפלה سولم مוצב ارضه وראשו מגיע השמימה. פי' הסולם הוא העליי [העלייה] בבחי' רצוא

אך ראשו מגיע השמימה שבשמו"ע [שבشמונה עשרה] מתחיל השוב כנ"ל ועיקרו אח"כ ע"י תומ"צ [תורה ומצות].

به همین سبب، دعا «نردبانی نهاده بر زمین که سرش به آسمان می‌رسد» نامیده شده است. مقصود این است: نردبان، صعود در حالت اشتیاق و صعود (رצוא, ratzo) است؛ اما «سرش به آسمان می‌رسد»، زیرا بازگشت (שוב, shov) در دعای شמונה عسره (شמונה עשרה, Shemoneh Esreh) آغاز می‌شود، چنان‌که پیش‌تر گفته شد، و بخش اصلی آن پس از آن، از طریق تورا (تורה, Torah) و میتسووت (מצוות, mitzvos [فرمان‌ها]) تحقق می‌یابد.

וזשארז"ל [וזהו שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] **לחד מ"ד** [מאן דאמר] **דארץ קדמה לשמים בבריא'** [בבריא / בבריא].
כי הרי מבואר למעלה בענין ק"ש [קריאת שמע] **וש"ע** [ושמונה עשרה] **ותורה דבחי' הרצוא צ"ל קודם לבחי' השוב**

این همان چیزی است که حکیمان ما، یادشان مبارک، بنا بر یکی از دیدگاه‌ها گفته‌اند: زمین در آفرینش بر آسمان پیشی گرفت. زیرا پیش‌تر دربارهٔ شِماع (קריאת שמע, Shema)، شמונה עسره و تورا توضیح داده شد که مرتبۀ ratzo باید پیش از مرتبۀ shov بیاید.

וכך היא המדה כי מאתעדל"ת [ماتعروتא دלתתא] **דוקא נעשה אתעדל"ע** [אתעروتא دلעילא] **וכמ"ש אם ישیم**
אליו לבو ואז אח"כ רוחו ونשמתו אליו יאסף

و قاعده چنین است: برانگیختگی از پایین (אתעروتא دלתתא, isarus dilesata) است که مشخصاً برانگیختگی از بالا (אתעروتא دلעילא, isarus dileila) را پدید می‌آورد؛ چنان‌که نوشته شده است: «اگر دلش را به سوی او متوجه سازد»، و تنها پس از آن، «روح و جان او را نزد همان شخص گرد می‌آورد».

وع"כ ארץ שהוא לי' [לשון] רצוא קדמה לשמים שהוא בחי' שוב.

ازاین‌رو، «زمین» (ארץ, eretz)، که واژه‌ای برای ratzo است، بر «آسمان» پیشی گرفت که مرتبۀ shov است.

16 ובכ"ז [ובכל זה] יובן משארז"ל [מה שאמרו רבותינו זכרונם לברכה] **בראשית בשביל ישראל שנק' ראשית וגם**
בשביל התורה שנק' ראשית. ברא אלקים את השמים ואת הארץ הגשמיים.

با همهٔ این‌ها، آنچه حکیمان ما، که یادشان مبارک باد، گفته‌اند روشن می‌شود: «برشیت» (בראשית, Bereishis) – به‌خاطر اسرائیل (یשראל) که «آغاز» نامیده شده‌اند، و نیز به‌خاطر تورا (تורה, Torah) که «آغاز» نامیده شده است – **אלקים** آسمان‌ها و زمین، یعنی آسمان‌ها و زمین مادی را آفرید.

דהנה בתורה ובישראל יש בחי' שמים וארץ روحניים. בתורה הוא בחי' שוב שהוא בחי' שמים כנ"ל.
ובישראל בעבודתם במס"נ [בمسירות נפש] הוא בחי' רצוא בחי' ארץ.

زیرا در تورا و در اسرائیل، آسمان و زمینی روحانی وجود دارد. در تورا، مرتبۀ **שוב** (بازگشت و فرود) است که، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، مرتبۀ «آسمان» است؛ و در اسرائیل، در خدمت آنان با فداکاری تا پای جان (مسירות نפש, mesirus nefesh)، مرتبۀ **رצוא** (اشتياق صعودی) است؛ مرتبۀ «زمین».

וע"כ על ידי תורה וישראל דוקא יתקיימו שמים וארץ הגשמיים [הגשמיים] דהיינו ע"י בחי' שמים וארץ הרוחניים שהוא בחי' רצוא ושוב שע"י תורה וישראל

אזاینרו، آسمان و زمین مادی به طور خاص به واسطهٔ تورا و اسرائیل پایدار می‌مانند؛ یعنی به واسطهٔ آسمان و زمین روحانی، که همان **رצוא** و **שוב** هستند و به واسطهٔ تورا و اسرائیل پدید می‌آیند.

(وזהו ואשים דברי בפיך כו' לנטוע שמים וליסוד ארץ. וגם י"ל [יש לומר] שבתומ"צ [שבתורה ומצות] עצמן יש בחי' שמים וארץ כי המצות מעשיות הן בחי' ארץ כי הארץ הדום רגלי שרפרף.

(و این معنای «و سخنانم را در دهانت نهادم» و غیره است: «تا آسمان‌ها را بنشانم و بنیادهای زمین را پی‌ریزی کنم». همچنین می‌توان گفت که در خود تورا و میتصوُس نیز مرتبه‌ای از آسمان و زمین وجود دارد: میتصوُس عملی (מצות, mitzvot) مرتبهٔ «زمین» هستند، زیرا «زمین زیرپایهٔ پای من است»؛ یعنی زیرپایی.

וכך צדקה תרומם גוי. ותורה היא בחי' שמים והמשכה. ועי' [ועיין] על מאמר מזוזה מימין כו'.

و نیز: «صدقه ملتی را سرافراز می‌کند». تورا مرتبهٔ «آسمان» و فرودآوردن است. همچنین بنگرید به بحث دربارهٔ گفتهٔ «مزوزا در سمت راست» و غیره.

וזהו ואשים דברי בפיך הוא בחי' תורה. ובצל ידי כסיתך הוא בחי' מצות שע"י לנטוע שמים וליסוד ארץ.

و این معنای «و سخنانم را در دهانت نهادم» است: این مرتبهٔ تورا است؛ «و در سایهٔ دستم تو را پوشاندم»: این مرتبهٔ میتصوُس است؛ و به واسطهٔ این، «تا آسمان‌ها را بنشانم و بنیادهای زمین را پی‌ریزی کنم».

וא"ש [ואתי שפיר] דבראשית היינו בשביל התורה שנק' ראשית שיש בה עצמה בחי' שמים וארץ תומ"צ [תורה ומצות]. לכן עי"ז מתקיימים שמים וארץ וכן בשביל ישראל כו' שיש בהן בחי' רוי"ש [רצוא ושוב].

ועיין מ"ש ע"פ הזהר פרשה שופטים שמים וארץ אינון סהדין כו':

پس به‌خوبی روشن می‌شود که برشیت یعنی «به‌خاطر تورا که آغاز نامیده شده است»، زیرا خود تورا مرتبهٔ آسمان و زمین را دربردارد: تورا و میتصوُس. ازاین‌رو، آسمان و زمین به واسطهٔ آن پایدار می‌مانند؛ و نیز «به‌خاطر اسرائیل» و غیره، که مرتبهٔ **رצוא** و **שוב** را در خود دارند. و بنگرید به آنچه دربارهٔ زوهار (זהר, Zohar)، پاراشات شְׁפִּטִּים (שופטים, Shoftim)، «آسمان و زمین گواه‌اند» و غیره توضیح داده شده است.)

17 והנה כ"ז [כל זה] הוא ענין שמים וארץ דעכשיו שצ"ל תחלה בחי' ארץ רצוא. ואח"כ מקבלת מבחי' שמים השוב כו'.

אکنون، همه این مطالب به آسمان و زمینِ زمانِ کنونی مربوط است؛ در آن، نخست باید مرتبۀ «زمین»، یعنی اشتیاقِ گریز (רצוא, ratzo)، باشد و سپس از مرتبۀ «آسمان»، یعنی بازگشت (שוב, shov)، دریافت کند، و مانند این.

אבל לע"ל [לעתיד לבוא] כתיב הנני עושה חדשה בארץ. ופי' וענין התחדשות זו בבחי' ארץ. היינו משום דלע"ל [דלעתיד לבוא] לא יהיה שיך בחי' רצוא דארץ ע"ד שהוא עכשיו

اما دربارهٔ زمانِ آینده نوشته شده است: «اینک، در زمینِ چیزی نو پدید می‌آورم.» مقصود و حقیقتِ این نو شدن در مرتبۀ «زمین» این است که در زمانِ آینده، اشتیاقِ گریزِ «زمین» به صورتی که اکنون هست، دیگر موضوعیت نخواهد داشت،

שהוא ענין הרצוא והתשוקה לצאת מההפך אשר החושך יכסה ארץ כו' כנ"ל בענין פסוד"ז [פסוקי דזמרה]
 که عبارت است از اشتیاق و میل به بیرون رفتن از وضعیتِ متضاد؛ وضعیتی که در آن «تاریکی زمین را می‌پوشاند»، و مانند این، چنان‌که پیش‌تر دربارهٔ آیاتِ ستایش (פסוד"ז, Pesukei deZimra) توضیح داده شد،

שהוא בחי' רוממות אל בגרונם כדי שע"ז נעשה חרב פיפיות לעשות נקמה בגוים הוא נה"ב [נפש הבהמית] והגוף כו' דהיינו שע"י הרצוא נעשה בטול רצון בחי' אתהפכא חשוכא לנהורא.

که همان مرتبۀ «بزرگداشتِ **אל** در گلویشان» است، تا از این راه «شمشیری دولبه برای انتقام از ملتها» پدید آید – که مراد از آنها نفْسِ حیوانی (נפש הבהמית, Nefesh HaBahamis) و بدن است، و مانند این –؛ یعنی از راهِ اشتیاقِ گریز، اراده به خوندنی‌گری (ביטול, bittul) می‌رسد، مرتبۀ «تبدیل تاریکی به روشنایی».

שזה אינו שיך רק עכשיו שיש קליפות המסתירים עד שהחשך יכסה ארץ והוא בחי' לבושים המלבישים ומסתירים וכמ"ש אלביש שמים קדרות כו'.

این تنها اکنون موضوعیت دارد، زمانی که پوسته‌ها (קליפות, kelipos) پنهان می‌کنند تا آنجا که «تاریکی زمین را می‌پوشاند»؛ این همان مرتبۀ پوشش‌هایی است که می‌پوشانند و پنهان می‌کنند، چنان‌که نوشته شده است: «آسمان‌ها را به تیرگی می‌پوشانم»، و مانند این.

18 ולכן הוזהרנו בק"ש [בקריאת שמע] השמרו לכם פן יפתה לבבכם וסרתם כו' והשתחוייתם פי' שכל קליפה המסתר' נק' אלהים אחרים ועבודת כוכבים

ازاین‌رو، در قرائتِ شְמַע به ما هشدار داده شده است: «مبادا دلتان فریفته شود و از راه منحرف شوید»، و مانند آن؛ «و خم شوید». مقصود این است که هر پوستۀ پوشاننده (קליפה, kelipah) «معبودانِ دیگر» و بت‌پرستی نامیده می‌شود؛

**והשתחואה היינו בחינת המשכה כמו ע"י השתחואה בקדושה בכריעה בברוך שממשיך גילוי אלקות.
כך את זלעז"ז [זה לעומת זה] כו'.**

و خم شدن، جنبه فرودآوردن است؛ همان گونه که با خم شدن در قداست، هنگام خم شدن بر «مبارک»، جلوه‌ای از الوهیت فرود آورده می‌شود. همچنین، «یکی در برابر دیگری [אלקים آفرید]» و مانند آن.

19 וזהו מארז"ל [מאמר רבותינו זכרונם לברכה] ישראל שבחוץ לארץ עובדי ע"ז [עבודה זרה] בטהרה הם. דהיינו

כשהוא ח"ו [חס ושלום] לגמרי חוץ לארץ העליונה שהוא בחי' הרצון לה' ית' בחי' ארץ שרצתה כו'

این است [معناي] سخن حکیمان ما، یادشان گرامی باد: «یهودیانی که بیرون از سرزمین زندگی می‌کنند، در پاکی بت می‌پرستند.» یعنی هنگامی که کسی، چنان که مباد، یکسره «بیرون از سرزمین» است – بیرون از سرزمین برین، که مرتبه اراده برای ه' متبارک است؛ مرتبه «زمینی که شتافت...» و مانند آن –

**רק שנמשך לגמרי אחרי הבלי עזה"ז הגם שהם דברים המותרים מבחי' טוב שבנוגה ע"ז"ז גורם יניקה
وהמשכה לבחי' נוגה.**

بلکه یکسره در پی پوچی‌های این دنیا کشیده شده است – هرچند اینها امور مجازند و از خوبی نهفته در پوسته میانی (נוגה, nogah) سرچشمه می‌گیرند – و از این راه سبب تغذیه و فرودآمدن جریان به مرتبه نוגה می‌شود.

20 וזה נקרא השתחואה והמשכה לבחי' אלהים אחרים כו' דהיינו תוס' [תוספת] יניקה לחיצונים. וע"ז ועצר

את השמים ולא יהיה מטר שלא יהיה ההמשכה בקדושה מבחי' שוב דשמים עליונים כו'

این را سجده کردن و فرودآوردن به مرتبه «معبودان دیگر» و جز این‌ها می‌نامند؛ یعنی تغذیه افزوده برای نیروهای بیرونی. و در پی آن، «آسمان‌ها را خواهد بست و بارانی نخواهد بود»: در ساحت قدس، از مرتبه بازگشت رو به پایین (שוב, shov) آسمان‌های برین، هیچ فرودآوردنی صورت نخواهد گرفت، و جز این‌ها.

**ובהיות כן צריך כ"א [כל אחד / כל אחת] לעורר בחי' רצוא אם ישים אליו לבو לאהפכא חשוכא לנהורא
ومרירו למתיקו כו'**

با این وصف، هرکس باید مرتبه میل صعود (רצוא, ratzo) را برانگیزد—«اگر دلش را به سوی او بگرداند»—تا تاریکی را به نور و تلخی را به شیرینی بدل کند، و جز این‌ها،

ולעבדו בכל לבבכם כו' שזהו בחי' ארץ וע"ז"ז ונתתי מטר ארצכם כו' הוא בחי' השוב.

و «او را با تمام دل‌هایتان بندگی کنید» و جز این‌ها، که مرتبه «زمین» است؛ و در پی آن، «باران سرزمینتان را خواهم داد» و جز این‌ها، که مرتبه بازگشت رو به پایین (שוב) است.

משא"כ לעתיד לבא דכתיב ואת רוח הטומאה אעביר כו' ולא יהיה כלל בחי' קליפה המסתרת גילוי אלקות וכן נאמר ולא יכנף עוד מוריד והיו עיניך רואות כו'.

اما در دوران آینده چنین نخواهد بود؛ زیرا درباره آن نوشته شده است: «و روح ناپاکی را برخوادم داشت» و جز اینها؛ در آن زمان دیگر هیچ پوسته‌ای نخواهد بود که تجلی الوهیت را پنهان کند. همچنین گفته شده است: «آموزگارت دیگر پوشیده نخواهد بود و چشمانت خواهند دید» و جز اینها.

א"כ א"צ [אין צריך / אינו צריך] כלל ענין בחי' הביטול של היש שזהו בחי' הרצוא דעכשיו לצאת מבחי' ההפך המנגד כו'.

پس دیگر هیچ نیازی به خودنفی‌گری (ביטול, bittul) نسبت به «وجود خودبسنده» (יש, yesh) نخواهد بود؛ زیرا این همان میل صعود (رצוא) در زمان کنونی است، یعنی بیرون آمدن از جهت مخالف و متضاد، و جز اینها.

וזהו הנני עושה חדשה בארץ. פי' שלא יהיה כמו עכשיו בחי' רצוא ואתעדל"ת [ואתערותא דלתתא] שעי"ז יהיה ההמשכה שאז כיון שיהיה הגילוי למטה כמו למעלה א"כ אין שייך רצוא כו'

و این معنای [این سخن] است: «هان، چیزی تازه در زمین می‌آفرینم.» یعنی دیگر، مانند اکنون، میل صعود (رצוא) و برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא, isarus dilesata) نخواهد بود که فروآمدن فیض از پی آن حاصل شود؛ زیرا آن‌گاه که تجلی در پایین همانند بالاست، دیگر میل صعود موضوعیتی ندارد، و جز اینها.

(ובזה י"ל [יש לומר] מ"ש כי ההרים ימוש כו' כי הר היינו בחי' רצוא כנודע מענין לא כאברהם שקראו הר כו' ואז יתבטל בחי' זו כיון שגם למטה יהיה הגילוי ממש עין בעין יראו כו')

(و از اینجا می‌توان سخن «زیرا کوه‌ها از میان خواهند رفت» و جز اینها را توضیح داد؛ چون «کوه» مرتبه میل صعود (رצוא) است، چنان‌که از موضوع «نه مانند ابراهام (آברהام, Avraham)، که آن را کوه نامید» و جز اینها دانسته می‌شود؛ و آن‌گاه این مرتبه از موضوعیت خواهد افتاد، زیرا در پایین نیز تجلی واقعی خواهد بود: «چشم در چشم خواهند دید» و جز اینها.)

וע"כ אמר שיהיה אז בחי' השמים החדשים והארץ החדשה אשר אני עושה אני דוקא דהיינו מצד אתעדל"ע [אתערותא دلעילא] בלבד ולא מצד אתעדל"ת [אתערותא دלתתא] כלל כי א"צ [אין צריך / אינו צריך] אתעדל"ת [אתערותא دלתתא] רק לברר ולהפך מחשוכא לנהורא כנ"ל

از این رو گفته است که آن‌گاه «آسمان‌های تازه و زمین تازه‌ای خواهند بود که من می‌آفرینم» — «من» به‌طور خاص؛ یعنی این‌ها تنها از برانگیختگی از بالا (אתערותא دلעילא, isarus dileila) پدید می‌آیند، نه از برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא) به‌هیچ‌وجه؛ زیرا برانگیختگی از پایین فقط برای پالایش و دگرگون کردن تاریکی به نور لازم است، چنان‌که پیش‌تر گفته شد.

**אבל לע"ל [לעתיד לבוא] שא"צ [שאינן צריך / שאינו צריך] לזה יהי' [יהיה] בחי' אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] לבד ע"כ
אמר אשר אני עושה**

اما در عصر آینده، هنگامی که دیگر نیازی به این کار نیست، تنها برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarusa dileila) خواهد بود. از این رو فرمود: «که من پدید می‌آورم.»

**והיינו שקורא אותן בשם שמים חדשים וארץ חדשה. פי' שבאים בבחי' גילוי מלמעלה למטה מצד
עצמות המאציל אשר לא היה עדיין בחי' כזו בבחי' גילוי בראשית ההשתלשלות.**

و به همین سبب آن‌ها را «آسمان‌های نو» و «زمین نو» می‌خواند. مقصود آن است که آن‌ها در مرتبه تجلی، از بالا به پایین و از ناحیه ذات خود مفيض می‌آیند؛ مرتبه‌ای که در آغاز زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) هنوز به صورت تجلی پدیدار نشده بود.

כמו דכתיב ביום עשות ה' אלקים ארץ ושמים ענין אלקים זה היינו בחי' הצמצום וההסתר.

چنان‌که نوشته شده است: «در روزی که نام چهارحرفی (ה', Havayah) و نام אלקים (אלקים, Elokim) زمین و آسمان را ساخت»؛ این אלקים به مرتبه انقباض (צמצום, tzimtzum) و پوشیدگی اشاره دارد.

**ששמים וארץ דעכשיו נמשכו על ידי שם אלקים כמ"ש בראשית ברא אלקים כו' וע"י ארץ שהוא בחי'
רצוא נמתק הדין והצמצום דשם אלקים המעלים והמסתר.**

زیرا آسمان و زمین کنونی به واسطه نام אלקים پدید آمدند، چنان‌که نوشته شده است: «در آغاز، אלקים آفرید» و جز این؛ و به واسطه «زمین» که مرتبه حرکت صعودی اشتیاق‌آمیز (רצוא, ratzo) است، حکم و انقباض نام אלקים، که پوشاننده و پنهان‌کننده است، شیرین می‌شود.

**21 וזהו ביום עשות ה' אלקים שנכלל אלקים זה בהוי"ה וזהו פי' עשות ה' אלקים. היינו יחוד והתכללות
שמות אלו יחד.**

این [معناي] «در روزی که ה' אלקים آفرید» است: این نام אלקים (אלקים, Elokim) در نام הוי"ה (Havayah) مندرج می‌شود. این است معنای «ה' אלקים آفرید» — یعنی یگانگی و درهم‌آمیختگی این دو نام با یکدیگر.

וכ"ז [וכל זה] הוא ע"י ארץ ושמים בחי' רוי"ש [רצוא ושוב]. אך צ"ל ארץ קדמה דוקא בחי' רצוא תחלה.

تمام این امر از راه «زمین» و «آسمان»، یعنی اشتیاق و بازگشت (רצוא وשוב, ratzo and shov)، تحقق می‌یابد؛ اما «زمین» باید مشخصاً نخست بیاید — یعنی نخست مرتبه رצוא.

אבל לעתיד שיהיו שמים חדשים וארץ חדשה הוא בחי' אשר אני עושה ולא ע"י צמצומים דשם אלקים

اما در دوران آینده، هنگامی که آسمان‌های جدید و زمینی جدید خواهند بود، این مرتبه «آنچه من می‌سازم» است، نه از راه انقباض‌های نام اלקים.

ואז יהיו שמים קודם כי א"צ [אין צריך / אינו צריך] לבחי' קדימת הרצוא כו' וזהו ויצא כברק חצו שהוא בחי' גילוי מלמעלה למטה:

و آن‌گاه آسمان‌ها نخست خواهند آمد، زیرا دیگر نیازی نیست که مرتبه **رצוא** نخست بیاید و غیره. و این [معنای] «و تیر او چون آذرخش بیرون خواهد رفت» است؛ که مرتبه آشکارسازی از بالا به پایین است.

22 אך הנה צריך להבין בענין השמים החדשים וארץ החדשה

اما باید موضوع آسمان‌های جدید و زمین جدید را دریابیم.

דאם הם באים רק בבחי' אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] לבד שזהו פי' אשר אני עושה כו' א"כ איך יתכן בזה בחי' ארץ בחי' רצוא מלשון רץ כנ"ל

اگر آن‌ها تنها از راه برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא, isarus dileila) پدید می‌آیند، که معنای «آنچه من می‌سازم» و جز آن همین است، پس چگونه در این [مرتبه‌ای از] «زمین» وجود دارد؛ یعنی مرتبه حرکت شتابان به‌سوی بالا (רצוא, ratzo)، برگرفته از رץ (ratz، به‌معنای «دویدن»)، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؟

(והרי לעתיד לא שייך בחי' רצוא כלל אפי' [אפילו] מלמטה כמשנת"ל [כמו שנתבאר לעיל]. וכ"ש [וכל שכן] לכאורה דלא שייך בחי' זו בהגילוי שמלמעלה שהוא בחי' אשר אני עושה).

(زیرا در عصر آینده، مرتبه **رצוא** اصلاً موضوعیت ندارد، حتی از پایین، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد؛ و به‌طریق اولی، ظاهراً این مرتبه در تجلی‌ای که از بالا می‌آید، یعنی در مرتبه «آنچه من می‌سازم»، موضوعیت ندارد.)

ולמה אמר והארץ החדשה אשר אני עושה לא היה לו להזכיר רק בחי' שמים לבד.

پس چرا او گفت: «و آن زمین جدیدی که من می‌سازم»؟ باید فقط مرتبه «آسمان» را ذکر می‌کرد.

אך הענין הוא דגם בבחי' אתעדל"ע [אתערותא דלעילא] בלבד יש ב' מדרגות הללו דרו"ש [דרצוא ושוב] רק שהשמים קדמו לארץ.

اما حقیقت این است که حتی در مرتبه برانگیختگی از بالا به تنهایی نیز این دو مرتبه **רצוא** و بازگشت (**שוב**, shov) وجود دارد؛ فقط آسمان‌ها بر زمین مقدم‌اند.

23 ולהבין איך יתכן בחי' רצוא בעצמות המאציל מאחר שאין דבר מסתיר לפניו כלל.

برای فهمیدن اینکه چگونه می‌تواند در ذات خود مبدأ افاضه، مرتبه‌ای از اشتیاق رو به بالا (**רצוא**, ratzo) وجود داشته باشد، با آنکه هیچ چیز اصلاً در برابر او حجاب ایجاد نمی‌کند:

הנה יובן עד"מ שאנו רואים בחי' רו"ש [רצוא ושוב] בגוף האדם הגשמי ברוח החיים אשר בקרבו שדופק בלבו ונק' בזוהר דפיקו דלבא שהחיות שבלב הוא בא בנשימה דוקא רו"ש [רצוא ושוב] בהתפשטות והסתלקות

این مطلب از راه تمثیل روشن می‌شود. در بدن جسمانی انسان، مرتبه‌ای از **רצוא** و بازگشت (**שוב**, shov) را می‌بینیم: در نفیس حیات درون او، که در قلبش می‌تپد و در زوهر (the زهر؛ زهر) «تپش قلب» (دפיקو דלבא, defiku deliba) نامیده می‌شود. نیروی حیات قلب مشخصاً از راه تنفس می‌آید—**רצוא** و **שוב**، به صورت گسترش و عقب‌نشینی—

וכן חוזר חלילה שמתפשט וחוזר ומסתלק וחוזר ומתפשט כדפק שביד שהחיות נמשך ומתפשט וחוזר ומסתלק וחוזר ומתפשט.

و همین‌طور پی‌درپی تکرار می‌شود: گسترش می‌یابد، دوباره عقب می‌نشیند، بار دیگر گسترش می‌یابد؛ همچون نبض دست، که در آن نیروی حیات جریان می‌یابد و گسترش پیدا می‌کند، سپس دوباره عقب می‌نشیند و بار دیگر گسترش می‌یابد.

וכן הוא ממש בדפיקו דלבא שהוא ענין התפשטות והסתלקות של רוח החיים שבלב והיינו ממש כמו בחי' רו"ש [רצוא ושוב].

در تپش قلب نیز دقیقاً همین‌گونه است: گسترش، عقب‌نشینی و گسترش نفیس حیات درون قلب؛ و این دقیقاً مانند مرتبه **רצוא** و **שוב** است.

ונמצא ר"ש [רצוא ושוב] כזה הוא הכל בגוף האדם עצמו עדיין ולא מזולתו אליו (ור"ל [ורוצה לומר] שר"ש [שרצוא ושוב] זה הוא כענין המשכת חיות הנפש בהגוף שסדר המשכה זו הוא ע"י התפשטות והסתלקות כו' שזהו בחי' ר"ש [רצוא ושוב])

پس چنین رצוא و شوب ی هنوز یکسره در خود بدن انسان است، نه از چیزی دیگر بهسوی آن (یعنی، این رצוא و شوب مانند جریان نیروی حیات نفس به درون بدن است؛ ترتیب این جریان از راه گسترش و عقبنشینی است و مانند آن، که این همان مرتبه رצוא و شوب است).

וגם הנה יובן עוד במשל זה שבדפיקו דלבא שאין הרצוא קודם לשוב אלא אדרבה השוב קודם לרצוא
همچنین، از این تمثيل نکته دیگری نیز روشن می‌شود: در تپش قلب، رצוא پیش از شوب نیست؛ برعکس، شوب پیش از رצוא است.

כנראה בחוש שבראשונה הוא ההתפשטות והמשכת החיות בלב שזהו כמו בחי' שוב המשכת האור בהכלי. ואמנם תכף ומיד חוזר ומסתלק והוא בחי' רצוא והסתלקות האור מהכלי וחוזר ומתיישב וכן חוזר חלילה.

چنان‌که آشکارا به‌حس درمی‌یابیم، نخست گسترش و جریان یافتن نیروی حیات در قلب است؛ این مانند مرتبه شوب، یعنی جریان یافتن نور به درون ظرف، است. اما بی‌درنگ دوباره عقب می‌نشیند؛ این مرتبه رצוא و عقب‌نشینی نور از ظرف است؛ سپس دوباره آرام می‌گیرد و همین‌طور پی‌درپی تکرار می‌شود.

וכדמיון הנשימה מהבל הפה שבתחלה יתפשט ההבל והרוח ומיד יחזור בחזרה וחוזר ומתפשט. וכדוגמא הזאת יובן למשכיל למעלה בבחי' רצוא ושוב שמלמעלה למטה

این مانند تنفس است، یعنی نفیس دهان: در آغاز، نفّس و هوا بیرون می‌روند و بی‌درنگ بازمی‌گردند و بار دیگر بیرون می‌روند. و با توجه به این الگو، کسی که اهل تأمل است، درباره رצוא و شوب در بالا، از بالا به پایین، خواهد فهمید

(ולא בבחי' ר"ש [רצוא ושוב] שוהחיות רצוא ושוב של הנברא [הנבראים] כו'. כ"א אדרבה ג"כ בהשפעה עליונה של א"ס ב"ה בכלים ועולמות.

(و نه فقط] درباره شتافتن و بازگشتن (رצוא وשוב, ratzo and shov) در «و موجودات زنده (חיות, chayos) می‌شتافتند و بازمی‌گشتند» در میان آفریدگان و غیره؛ بلکه، برعکس، همچنین در فیض برتر بی‌نهایت مطلق (אין סוף, Ein Sof)، متبارک باد، به درون ظرف‌ها و عوالم).

וגם אפי' [אפילו] ממש בראשית מראשית המשכה מא"ס ב"ה להתלבש בשרש בחי' הכלים שהן שרש כל העולמות עליונים ותחתונים שייד ג"כ רצוא ושוב שהוא הסתלקות והתפשטות.

و نیز حتی درست در آغاز، از همان ابتدای جریانِ صدور از بی‌نهایتِ مطلق، متبارک باد، برای آن‌که در ریشهٔ ظرف‌ها جای گیرد— ریشه‌ای که سرچشمهٔ همهٔ عوالم برتر و فروتر است— **رצוא وשוב**، یعنی عقب‌نشینی و گسترش، نیز صدق می‌کند.

כי מיד שנמשך ומתפשט צ"ל הסתלקות שאל"כ [שאם לא כן] יתבטלו הכלים מהיות בחי' כלים כו' רק שההתפשטות הוא קודם. והוא כמו בחי' השוב ואח"כ הוא בחי' הסתלקות ורצוא וכן חוזר חלילה. ועמ"ש במ"א ע"פ ויקחו לי תרומה כו' (

زیرا به محض آن‌که نور کشیده می‌شود و گسترش می‌یابد، باید عقب‌نشینی‌ای در کار باشد؛ وگرنه ظرف‌ها دیگر نمی‌توانستند مقام ظرف‌بودن را حفظ کنند و غیره. تنها این‌که گسترش نخست رخ می‌دهد. این همان مرتبهٔ **שוב** است؛ پس از آن مرتبهٔ عقب‌نشینی و **رצוא** می‌آید، و همین‌طور پی‌درپی تکرار می‌شود. و بنگرید به آنچه در جای دیگری دربارهٔ آیهٔ «و برای من هدیه‌ای بگیرند» شرح داده شده است و غیره)،

דשייד ג"כ בחי' רצוא. רק שהתפשטות האור קודם לבא ואח"כ מיד חוזר ומסתלק וחוזר ומתפשט. که مرتبه‌ای از **رצוא** نیز در اینجا صدق می‌کند؛ تنها این‌که گسترش نور نخست رخ می‌دهد و پس از آن، نور بلافاصله دوباره عقب‌نشینی می‌کند و بار دیگر گسترش می‌یابد.

וזהו ענין קול דודי דופק שהקול וההמשכה ملמעלה למטה הוא ג"כ כמו בחי' הדפק הנ"ל. و این است معنای «صدای محبوبم در می‌زند» (دופק، dofek): صدا و جریانِ نور از بالا به پایین نیز همچون ضربانِ دופک پیش‌گفته است.

24 ונק' זה בע"ח [בעץ חיים] בשם מטי ולא מטי שהאור מטי ומתפשט וחוזר ומסתלק ולא מטי. שבחי' מטי הוא בחי' ההתפשטות קודם לבחי' לא מטי. והכל בבחי' אלקות עצמו.

در اِتس حاییم (עץ חיים)، این را «رسیدن و نرسیدن» (مטי ולא مטי، mati velo mati) می‌نامند: نور می‌رسد و گسترش می‌یابد، سپس دوباره عقب می‌نشیند و نمی‌رسد. مرتبهٔ «رسیدن»، یعنی گسترش، بر مرتبهٔ «نرسیدن» مقدم است. و همهٔ این‌ها در خودِ الوهیت است.

וזהו כי ה' אלקיך אש אוכלה הוא. ענין דמיון שפע האלקות לאש. הוא מפני שהאש טבעו בבחי' הסתלקות אחר ההתפשטות כדמיון דפיקו דלבא.

و این [معنای] «زیرا نام چهارحرفی (ه، Havayah)، اَلقِد، آتشی سوزاننده است» است. دلیل تشبیه جریان الهی به آتش آن است که طبیعت آتش این است که پس از گسترش عقب‌نشینی کند؛ مانند تپش قلب.

25 וזהו ענין השמים החדשים והארץ החדשה. שהוא בחי' ההמשכה העליונה אשר נמשך באתעדל"ע [באתערותא דלעילא] לבד בזה יש ג"כ בחי' שמים וארץ.

و این معنای آسمان‌های جدید و زمین جدید است: در امتداد برین، که تنها بر اثر برانگیختگی از بالا (אתערותא דלעילא، isarusa dileila) فرود می‌آید، مراتب آسمان و زمین نیز وجود دارند.

ההמשכה בחי' מטי נק' שמים ובחי' ההסתלקות האור מהכלי הנק' לא מטי זהו בחי' ארץ מל' רצוא. امتداد، در مرتبة «رسیدن» (مטי، mati)، «آسمان» نامیده می‌شود؛ و مرتبة کناره‌گیری نور از ظرف، که «نرسیدن» (لا مטי، lo mati) نامیده می‌شود، همان مرتبة «زمین» است؛ واژه‌ای برگرفته از «بازگشت شتابان به بالا» (رצוא، ratzo).

26 ולכן כאן קדם שמים לארץ בהיות בחי' מטי קדם לבחי' לא מטי. משא"כ ברצוא ושוב דנבראים צ"ל תחלה ארץ בחי' רצוא ואח"כ שמים בחי' שוב. וכמ"ש והחיות רו"ש [רצוא ושוב] וכתוב ביום עשות כו' ארץ ושמים כנ"ל.

ازاین‌رو، در اینجا «آسمان» بر «زمین» مقدم است، زیرا مرتبة «رسیدن» بر مرتبة «نارسیدن» تقدم دارد. اما در رفت‌وآمد رצוא (اشتياق صعود) و شוב (shov [بازگشت]) در موجودات آفریده‌شده چنین نیست؛ در آنجا باید نخست «زمین» باشد، یعنی مرتبة رצוא، و سپس «آسمان»، یعنی مرتبة شوب؛ چنان‌که نوشته شده است: «و حיות (chayos [موجودات زنده]) روان می‌شدند و بازمی‌گشتند»، و نیز نوشته شده است: «در روزی که [ה' אלקים] ساخت»، و جز اینها، «زمین و آسمان»؛ چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد.

27 וזהו ענין כאשר השמים החדשי' [החדשים] והארץ החדשה כו' עומדים לפני. לפני דייקא דהיינו בבחי' הפנימי' ועצמיות מה שאין אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] מגעת לשם כלל. כן יעמוד זרעכם ושמכם.

و این است معنای «زیرا همان‌گونه که آسمان‌های نو و زمین نو» و غیره «در پیشگاه من می‌ایستند»: «در پیشگاه من» (לפני، lefanai)، دقیقاً؛ یعنی در مرتبة درونی‌ترین بُعد و ذات، جایی که برانگیختگی از پایین (אתערותא דלתתא، isarusa dilesata) اصلاً به آن نمی‌رسد. «همچنین بذر شما و نام شما پایدار خواهد ماند.»

פי' זרעכם ושמכם הוא בחי' אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] **וההמשכה הנמשך ע"י אתעדל"ת** [אתערותא דלתתא].
כי הגה המצות נק' בשם זריעה כמ"ש זורע צדקות. ועי"ז מצמיח ישועות בגילוי אלקות מבחי' ש"ע
 [ש"ע (370)] **נהורין כו'.**

مقصود این است که «بذر شما و نام شما» مرتبهٔ برانگیختگی از پایین و نیز کشش فیضی است که به واسطهٔ برانگیختگی از پایین پدید می‌آید. زیرا فرمان‌های دینی (מצוות, mitzvos) «کشت» نامیده می‌شوند، چنان‌که نوشته شده است: «او کارهای پارسایانه را می‌کارد» (צדקות, tzedakos)؛ و به واسطهٔ آن «نجات‌ها را می‌رویانند»، با آشکارشدن الوهیت از مرتبهٔ ۳۷۰ نور و غیره.

وשמכם הוא בחי' קבלת עומ"ש [עול ملکوت שמים] **ویעש דוד שם.**

و «نام شما» مرتبهٔ پذیرش یوغ پادشاهی آسمان (קבלת עול, kabbalas ol) است؛ [چنان‌که در] «و داوود (دود) نامی به‌دست آورد».

28 והנה כבר מבואר שבחי' שמים וארץ החדשים הוא גילוי מבחי' שאין אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] **מגעת**

לשם כלל שגילוי זה יהי' [יהיה] לע"ל [לעתיד לבוא].

اکنون، پیش‌تر توضیح داده شده است که مرتبهٔ آسمان‌های جدید و زمین جدید، تجلی‌ای از مرتبه‌ای است که برانگیختگی از پایین (אתערותא دלתתא, isarus dilesata) اصلاً به آن نمی‌رسد؛ و این تجلی در زمان آینده خواهد بود.

וא"כ سد"א [سلקא דעתך اמינא] **שההמשכה שע"י אתעדל"ת** [אתערותא دלתתא] **בתומ"צ** [בתורה ומצות] **בבחי' ארץ**
ושמים שלנו رو"ש [רצוא ושוב] **תהי' [תהיה] בטילה לגמרי מחמת גילוי העצום ההוא שמבחי' אשר אני**
עושה.

پس ممکن بود چنین پنداشته شود که امتداد فیض به واسطهٔ برانگیختگی از پایین، از راه تورات و فرمان‌های الهی (מצוות, mitzvos) —در مرتبهٔ «زمین و آسمان» ما، یعنی اشتیاق و بازگشت (רצוא ושוב, ratzo v'shov) — به سبب آن تجلی عظیم از مرتبهٔ «آنچه من می‌آفرینم»، کاملاً به حالت خودنفی‌گری (ביטול, bittul) درخواهد آمد.

لזה אמר כן יעמוד זרעכם وשמכם. שגם בחי' זו דאתעדל"ת [دאתערותא دלתתא] **יתעלה להיות عומדים לפני**
בבחי' הפנימית ממש כמו בחי' שמים החדשים וארץ החדשה כו'.

از این رو، او فرمود: «پس نسل و نام شما پایدار خواهد ماند»: این مرتبه از برانگیختگی از پایین نیز بالا برده خواهد شد تا در «پیشگاه من» بایستد، در خود درونی‌ترین مرتبه، درست همانند مرتبهٔ آسمان‌های جدید و زمین جدید، و غیره.

וכמ"ש הנה ישכיל עבדי ירום ונשא וגבה מאד דהיינו עבדי הוא בחי' אתעדל"ת [אתערותא דלתתא] בחי' לעבדה ולשמרה כו'. הנה בחי' זו ממש תתעלה בעילוי אחר עילוי עד כי גבה מאד:

چنان‌که نوشته شده است: «اینک، بنده من کامیاب خواهد شد؛ سرافراز و برافراشته خواهد گشت و بسیار بلندمرتبه خواهد بود.» یعنی «بنده من» همان مرتبه برانگیختگی از پایین است، مرتبه «آن را کار کردن و از آن پاسداری کردن»، و غیره. همین مرتبه، پیاپی از مرتبه‌ای به مرتبه‌ای بالاتر خواهد رفت، تا آن‌گاه که «بسیار بلندمرتبه» شود.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-parsha

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

از [/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/2](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/bereishis/2)

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک